



لطایف اویسیه تألیف احمد بن محمود

نویسنده: اختر چیمه پاکستانی، محمد
میان رشته ای :: دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز :: تابستان 1356 - شماره 122
از 197 تا 207
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/59923>

دانلود شده توسط : فرشته روی زمین
تاریخ دانلود : 1393/07/26 02:40:14

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

دکتر محمد اختر چیمه
دانشیار دانشکده دولتی
جرانواله - لائل پور

لطایف اویسیه^۱

تألیف

احمد بن محمود^۲

حضرت خواجه اویس قرنی رحمة الله علیه بی گمان افضل التابعین و از عاشقان نامدار سرکار دو عالم حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است و میان اهل دین و عرفان اهمیت بی پایانی دارد . در کتب احادیث و اخبار و سیر در مورد مقام و منزلت وی سخنان بسیار منقول و مذکور افتاده است . سید علی بن عثمان هجویری در کتاب کشف المحجوب در باب فی ذکر ائمتهم من التابعین والانصار

-
- ۱- یگانه نسخه خطی آن در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور (پاکستان) بشماره ۶۷۰۲/۷۵۴ محفوظ است و فیلم و نسخه عکسی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ایران) نگهداری میشود .
 - ۲- از شرح زندگیش اطلاعی بدست نیامد ، فقط اینقدر معلوم شده است که از مشایخ طریقه اویسی بوده و ظاهراً در قرن دوازدهم هجری در شبه قاره پاکستان و هند می زیسته است .

رضوان الله عليهم ، راجع به احوال و مقامات وی چنین آغاز نموده است : « آفتاب امت و شمع دین و ملت اویس قرنی رض از کبار مشایخ اهل تصوف بود و اندر عهد رسول عم بود اما ممنوع گشت از دیدار پیغمبر عم بدو چیز ، یکی بغلبه حال و دیگر بحق والده^۱ » شیخ فریدالدین عطار نیشابوری در تذکرة الاولیاء در ترجمه حال وی چنین نوشته است : « آن قبله تابعین ، آن قدوة اربعین ، آن آفتاب پنهان ، آن هم نفس رحمان ، آن سهیل یمنی ، اویس قرنی رحمة الله علیه . قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم : « اویس القرنی خیر التابعین باحسان . وصف و ستایش کسی که ستاینده او رحمة للعالمین است ، به زبان من کجا راست آید ؟ ...^۲ »

باین طریق از پیغمبر اکرم علیه الصلوة والسلام گرفته تا امروز، پیوسته بزرگان و عارفان و نویسندگان به اویس ارادت و عقیدت ورزیده ، و در مناقب و مفاخر و مقامات وی کلمات و عبارات به تحریر در آورده ، و حتی بعضی ها در این مورد کتب و رسایی پرداخته اند . اما اینک قطع نظر از سخنان و مقالات و مؤلفات و مصنفات دیگر تنها به بررسی کتاب « لطایف نفیسیه در فضایل اویسیه » اکتفا می شود و در ضمن معرفی این کتاب درجات بلند و مراتب ارجمند خواهی اویس خاطر نشان می گردد که بنا بر قول حجة الاسلام امام محمد غزالی در

۱ - به تصحیح ژوکوفسکی ، مطبوعاتی امیر کبیر تهران ، ۱۳۳۶ ش /

۲ - به تصحیح دکتر محمد استعلامی ، انتشارات زوار تهران ۱۳۳۶ ش / ۱۹

کتاب احیاء العلوم و کیمیای سعادت « امام و مقتدا اویس قرنی است رضی الله تعالی عنه^۱ » و بگفته امام یافعی « سیدالتابعین، محب محبوب حقانی، عاشق معشوق سبحانی حضرت خواجه اویس قرنی است^۲ ». کتاب لطایف اویسیه مشتمل بر دیباچه و بیست و چهار لطیفه و خاتمه است. دیباچه در حمد و ستایش ایزد تعالی، و صلوة و درود نبوی علیه السلام، و القاب و صفات اویس، و سبب تألیف و تاریخ و تسمیه آن؛ و لطایف در مناقب و فضایل و احوال و کرامات اویس و مختصات طریقت، و خاتمه در اهمیت و فضیلت مطالعه لطایف اویسیه نگارش یافته است. اکنون برای آشنائی بیشتر خوانندگان گرامی با مضامین و معانی کتاب و سبک و روش و نگارش آن از دیباچه و لطایف و خاتمه نسخه عبارتی کوتاه نقل می‌گردد.

آغاز این تألیف منیف باین طرز است: « بسم الله الرحمن الرحيم » خداوندا حمد و سپاس تو نامحصور و زبان درصفت و ستایش تو پرعجز و قصور و خود فرموده و قلیل من عبادی الشکور^۳:
 ثنای تو ای قادر کردگار برون از حد است و فزون از شمار
 ازل تا ابد گر شود حرف آن نیاید بگفتن یکی از هزار بار
 خدایا هر ستاینده را توئی مقصود، و کل ثناء الیک يعود، بلکه تو
 خود حامدی و محمود.

۱- لطایف اویسیه / ۱۵

۲- لطایف اویسیه / ۵۹

۳- قرآن کریم، ۱۳/۳۴

درچشم عیان شاهد و مشهود توئی

درقبله جان ساجد و مسجود توئی

بی‌نام و نشان قاصد و مقصود توئی

بی‌گوش و زبان حامد و محمود توئی^۱

و صلوات طیبات و تحیات زاکیات و تسلیمات نامیات نثار و

سزاوار ارواح معطر و مقدس معلی سرور کائنات مفخر موجودات ،

احمد مجتبی محمد مصطفی و ارواح یاران و پیروان او باد .

درود خدا بر روان تو باد براصحاب و برپیروان تو باد.^۲

و بعد بقول مؤلف : « نموده می‌آید که این کلمه ایست چند

در بیان فضایل قدسیه و احوال علیه ذات ابوالبرکات ، سر ذات الهی ،

پرتو صفات نامتناهی ؛ مظهر انوار رحمانیه ، مظهر اسرار ربانیه ؛

مکین کنار نبوت ، امین اطوار فتوت ؛ مبارز میدان مجاهده ، مجاهد

ایوان مشاهده ؛ مقبول لایزال ؛ محبوب ذوالجلال ، سلطان ملت

مصطفوی ، برهان شریعت نبوی ؛ ملیک ممالک فقر و تجرید ، فارس

مضمار وحدت و توحید ؛ قطب ابدال ولایت ، مرکز دایره هدایت ؛

قبله تابعین ، قدوة زاهدین ؛ نفس رحمان ، آفتاب نهران ؛ سهیل یمن ،

خورشید قرن ؛ غوث الثقلین ، خواجه کونین ؛ بند گیحضرت خواجه

اویس بن عامر مرادی قرنی رضی الله تعالی عنه افاض الله تعالی علينا

۱- این رباعی از لمعات عراقی مع شرح جامی (اشعة اللمعات جامی)

مطبع بشیروکن / ۲۳ نقل شده است .

۲- لطایف اویسیه / ۲-۱

برکاته و اوصل علینا فتوحاته ، و فراهم آورد آن را درویش دلریش
معصیت آلود احمد بن محمود ، برهاند او را حضرت رب محمود از
قید زندان وجود ، و از آرایش هستی و بود ، که فی الحقیقت نیست
و هست نمود :

یارب مددی کن کز خودی خود برهم

از بد بیرم و از بدی خود برهم

درهستی خود مرا از خود بیخود کن

تا از خودی و بیخودی خود برهم ۱۰۰

چنانکه نویسنده کتاب پس از ذکر مناقب و مقامات و القابات
گوناگون حضرت اویس ، و اشاره به اسم خویش بعنوان مؤلف در
وضعیت و کیفیت کتاب و سال تألیف می نویسد که : « از کتب سیر
و اخبار و از کلام مشایخ و کبار رضوان الله تعالی علیهم اجمعین درهر
کتاب و درهر رساله که نقلی و روایتی و خبری حکایتی از احوال و
مناقب و کرامات آنحضرت رضی الله عنه می دید خوش دل و شادمان
می گردید و از خوشی چون در پوست نمی گنجید ، از کمال محبت
و فور عقیدت آنها را برورقها می نوشت و درقید کتابت می کشید . برین
روش روزگاری بگذشت و نقلهای بسیار و اخبار و حکایات بیشمار از
هر قسم جمع گشت ، درینولاکه از هجرت رسالت پناهی صلی الله علیه
و آله و سلم بعد یکهزار و یکصد و پنجاه و ششم سال میگذرد ، و از
خوف آنکه مبدا آن اوراق ازدست روند و پراکنده ضایع شوند ،

و به نیت آنکه یادگاری ماند و باعث نزول رحمت گردد که خواجه عالم علیه من التحیات و افضلها و من التسلیمات اکملها میفرماید عند ذکر الصالحین تنزل الرحمة یعنی وقت یاد کردن نیکوکاران فرود می آید رحمت خدای تعالی . پس آنهمه نوشته ها را با خود بتألیف داد و ملاحظه تقدیم و تأخیر باوجود قصور و ناتوانی و قلت استطاعت و هیچمدانی برشته ملائمت و علاقه مناسبت در سلك ترتیب منظم و مضبوط گردانید . پس آنرا يك رساله پرداخت . چون دلق درویشان ازهرجا اندوخته و چون مرقع گدایان پاره پاره بهم بردوخته ، بلك بقصد تیمن و استرشاد وسیله ساخت بجناب مآب آنخواجه کونین و غوث ثقلین رضی الله تعالی عنه . امید از الطاف و اکناف آنجناب واثق است که این متاع کاسد و بضاعت مزجات بمنصه حضور بحلیه قبول محلی گردد و باعث سرور انبساط روح پر فتوح مقدس و معلی شود رضی الله تعالی عنه .^۱»

سپس اسم کامل کتاب « لطایف نفیسیه در فضایل اویسیه »^۲ یاد گردیده ، و در بیست و چهار لطیفه حالات و کرامات و مقالات و ملفوظات خواجه اویس قرنی شرح و بسط داده شده است که عناوین آنها عیناً مطابق نسخه برای اطلاع خوانندگان در زیر نگاشته می شود:

لطیفه اول : در اسم شریف آنحضرت و نام والدین شریفین وی و اسماء بزرگوار اجداد وی و تحقیق لفظ قرن و مسکن رض^۳ .

۱- ایضاً / ۳-۴

۲- ایضاً / ۵ اما ناگفته نماند در صفحه آخر نسخه عنوان اختصاری

کتاب « لطایف اویسیه » مندرج است . ۳- ایضاً / ۵

- لطیفه دوم : درحلیه مبارک حضرت اویس رضی الله تعالی عنه^۱ .
 لطیفه سیوم : درمعاش آنحضرت از خورش و پوشش رضی الله
 تعالی عنه^۲
 لطیفه چهارم : درفضیلت و خیریت آنحضرت از تابعین و سایر
 صالحین رضی الله عنهم^۳
 لطیفه پنجم : درتحقیق صحابیه آنحضرت رضی الله تعالی عنه^۴
 لطیفه ششم : درمستور ماندن آنحضرت رضی الله تعالی عنه
 در دنیا و آخرت از آنحضرت رسالت پناه علیه من الصلوة افضلها^۵
 لطیفه هفتم : درمعنی و مراد حدیث پیغامبر علیه الصلوة والسلام
 انی لاجد نفس الرحمن من قبل الیمن^۶
 لطیفه هشتم : دررفتن آنحضرت رضی الله عنه برای ملاقات
 پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم^۷
 لطیفه نهم : درملاقات امیرالمؤمنین عمر و علی باحضرت اویس
 رضی الله عنه^۸
 لطیفه دهم : درتخصیص مرقع رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 به اویس قرنی رضی الله عنه^۹
 لطیفه یازدهم : دراخبار و آثار که دلالت بر بزرگی و جلالت

۱ - ایضاً / ۱۵

۲ - ایضاً / ۱۰

۳ - ایضاً / ۳۴

۴ - ایضاً / ۲۱

۵ - ایضاً / ۶۰

۶ - ایضاً / ۵۰

۷ - ایضاً / ۶۹

۸ - ایضاً / ۶۵

۹ - ایضاً / ۸۳

- حضرت اویس رضی الله عنه می کنند^۱
 لطیفه دوازدهم : در ملاقات هرم بن حسان بحضرت اویس و
 گرفتن وصیتها از وی رضی الله عنهما^۲
 لطیفه سیزدهم : در قصه و مناقب هرم بن حیان رضی الله عنه^۳
 لطیفه چهاردهم : در بعضی مناقب و فضائل آنحضرت رضی الله
 تعالی عنه^۴
 لطیفه پانزدهم : در بعضی کلمات و نصائح و وصایای آنحضرت
 رضی الله عنه^۵
 لطیفه شانزدهم : در بعضی حکایات که منقول است از آنحضرت
 رضی الله عنه^۶
 لطیفه هفدهم : در بیان ولایت باطنیه و پرورش غیبیه آنحضرت
 رضی الله عنه^۷
 لطیفه هیزدهم : در بیان مسکنت و فقر آنحضرت رضی الله عنه^۸
 لطیفه نوزدهم : در بیان سلسله علیه آنحضرت رضی الله عنه^۹
 لطیفه بیستم : در بیان تحقیق خرقة آنحضرت رضی الله عنه و
 تحقیق شکستن دندان و تحقیق ذکر و غیره^{۱۰}

۱ - ایضاً / ۹۳	۲ - ایضاً / ۱۰۳
۳ - ایضاً / ۱۱۰	۴ - ایضاً / ۱۱۱
۵ - ایضاً / ۱۱۶	۶ - ایضاً / ۱۳۹
۷ - ایضاً / ۱۴۵	۸ - ایضاً / ۱۵۲
۹ - ایضاً / ۱۵۹	۱۰ - ایضاً / ۱۷۵

لطیفة بیست و یکم : در بیان اعمال هفتگانه که بناء سلسله اویسیه بر آنست^۱

لطیفة بیست و دوم: در بیان صحت خرقه و ثبوت مصافحه و تحقیق سلسله از طریق حسن بصری رضی الله عنه^۲

لطیفة بیست و سیوم : در تحقیق وفات و شهادت آنحضرت رضی الله عنه^۳

لطیة بیست و چهارم : در تحقیق قبور و تعداد مزارات آنحضرت رضی الله عنه^۴

احمد بن محمود در خاتمه کتاب خویش می گوید : « بحمدالله که با چندین کتابت بدستم آمد این دلکش لطایف ، بحمدالله که این دیرینه مقصود بفضل حق تعالی گشت موجود ، بحمدالله که این محبوب شیرین محلی گشت بعد ایام دیرین . حمد و سپاس بشمار خداوندی را که بتوفیق او بانمام رسید و این لطایف باختتام انجامید^۵ » و کاتب در اختتام نسخه می نگارد: « الحمد لله والمنت که تمام شد ملفوظ خواجه اویس قرنی رحمة الله علیه از ید احقر العباد میرزا لعل ملکیه^۶ . »

از مطالعه لطایف اویسیه هویدا است که کتابی است جامع و ارزنده درباره خواجه اویس قرنی که با استفاده از کتب و تصانیف معتبر و معتمد برشته تحریر در آمده است . و مؤلف آن کوشیده است

- | | |
|----------------|----------------|
| ۱- ایضاً / ۱۸۶ | ۲- ایضاً / ۲۲۰ |
| ۳- ایضاً / ۲۲۴ | ۴- ایضاً / ۲۳۸ |
| ۵- ایضاً / ۲۴۷ | ۶- ایضاً / ۲۴۹ |

که کلمات و عبارات در فضایل و مناقب خواجه منقح و منظم باشد ، چنانکه گاه از بزرگان متقدم و متأخر نقل قول کرده و در بیشتر موارد از منابع و مآخذ مهم با ذکر اسامی کتب مطالبی مستند را درج نموده است . خودش از سلسله اویسیه بوده و عقیدت فراوان به این طایفه داشته که در آخر لطیفه چهارم می نویسد : « می گویم من که مؤلف این سطور پر قصورم که در همه اوقات و در جمیع ساعات فخر و مباهات من آنست که الحمد لله والمنت له حمداً کثیراً کثیراً که مرید کمترین و معتقد کمترین این خاندان عالیشانم و اسیر حلقه این سلسله علیه بلند مکانم ، قبله صدق طلب و یقین اوست و سجده نیاز دل و جان بدوست .

من از جان بنده سلطان اویسم اگر چه یادش از چادر نباشد
 خنک طالبان که خاک وی اند گرو گشته ذات پاک وی اند^۱

شیخ فریدالدین عطار در تذکرة الاولیاء خویش در پایان شرح حال خواجه اویس در باب سلسله اویسیه چنین ذکر می کند : « بدان که قومی باشند که ایشان را اویسیان گویند که ایشان را به پیر حاجت نبود ، که ایشان را نبوت در حجر خود پرورش دهد بی واسطه گیری ، چنانکه اویس را داد . اگر چه بظاهر خواجه انبیاء را علیه الصلوة والسلام ندید ، اما پرورش از وی می یافت . از نبوت می پرورد و با حقیقت هم نفس بود و این مقام عظیم و عالی است .^۲ صاحب لطایف اویسیه در مورد عقاید و اعمال سلسله اویسیه می نگارد که : « اساس طریقت اویسیه بر هفت چیز است ، اول پیروی رسول خدا صلعم ،

۱- ایضاً ۳۴ - ۳۳

۲- به تصحیح دکتر استعلامی / ۲۹ - ۲۸

دوم خلوت درانجمن ، سیوم خاموشی درسخن ، چهارم نظر برقدم ، پنجم هوش دردم ، ششم زهرنوشی ، هفتم پرده پوشی^۱ پیداست دراین کتاب علاوه بر مناقب و مقامات و مراتب و فضایل اویس قرنی ، اطلاعاتی ارزنده و گرانقدر راجع به سلسله اویسیه هم بدست میآید و بوسیله آن در تاریخ تصوف اسلامی راهی مهم و تازه باز می‌شود . و باید گفت که لطایف اولیه مشحون از لطایف و معارف و حقایق طریقت و معرفت و حقیقت باطنی اویسی است .

۱- لطایف اویسیه / ۱۸۶ و مخفی نماند از این اعمال هفتگانه خلوت درانجمن ، نظر برقدم ، هوش دردم ، در شرایط هشتگانه طریقت خواجگان نقشند نیز برشمرده شده است .

رک : رشحات ، تألیف علی بن حسین واعظ کاشفی ، نولکشورکانپور

۲۰ / م ۱۹۱۱